

مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در خطاب‌های آیات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾*

مرضیه کهنوجی**

چکیده

تربیت اخلاقی، نقش بسیار مهمی در سلامت روح انسان و سعادت فرد و جامعه دارد. در دین مقدس اسلام، به اخلاق و تربیت اخلاقی توجه فراوانی شده است؛ که یکی از مهم‌ترین اهداف نزول قرآن، تربیت اخلاقی، تهذیب نفس و پرورش افراد آراسته به فضایل اخلاقی می‌باشد. قرآن کریم دارای کلامی زیبا و رسا است که در اوج فصاحت و بلاغت برای هر گروه از انسان‌ها پیامی خاص دارد. آیاتی که با عبارت ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ شروع شده‌اند، مؤمنان را خطاب قرار داده است و به آن‌ها اشاره می‌نماید، حال که شما ایمان آورده‌اید و در برابر حق تسلیم شده‌اید و با خدای خود پیمان اطاعت بسته‌اید، باید به مقتضای این پیمان به دستورهایی که پشت سر این جمله می‌آید، عمل کنید. هدف اصلی این پژوهش تبیین مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در قرآن (مطالعه موردی آیات یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) می‌باشد. این مهم با استفاده از روش تبیینی-تحلیلی و با مذاقه در آیات قرآن کریم که با خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ شروع شده‌اند، انجام شده است. بدین صورت که ابتدا مؤلفه‌های مربوط به تربیت اخلاقی شناسایی شده‌اند (عدالت، شجاعت و هم‌دلی) و سپس زیر مجموعه‌های این مؤلفه‌ها، در بین آیات مد نظر مورد تبیین و بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم در خصوص تمام موضوعات بشری و به خصوص در رابطه با مصادیقی که مرتبط با حقوق و تکالیف انسانی می‌باشند و در سایه تربیت اخلاقی قرار دارند، مؤمنان را ملزم به انجام اموراتی نموده است. تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته‌اند که در صورتی می‌توان به جامعه، نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است به خوبی مورد عمل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، قرآن، آیات یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰.

** استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان: marzieh.kahnooji@yahoo.com

مقدمه

انسان دین‌دار اخلاقی بودن را به منزله هم‌سویی با جریان حکیمانه خلقت می‌داند. چنین فردی آمادگی روانی بیشتری برای تعهد و التزام اخلاقی دارد. انسان دین‌دار جریان عمومی خلقت را تابع قدرتی متعالی می‌داند که بر همه چیز آگاه است و رفتارهای او را از کوچک و بزرگ می‌سنجد، به آن چه که سیر آن به سوی غایت هستی است پاداش می‌دهد و برای آن چه که در سویی خلاف حرکت می‌کند، کیفر مقرر می‌دارد. این نگرش، آمادگی برای التزام اخلاقی را تقویت می‌کند (فتحعلی‌خانی، رابطه دین و تربیت اخلاقی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعداد های درونی انسان برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است (کبیری و معلمی، مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸: ۷۰). دین مبین اسلام در بردارنده آموزه‌هایی است که عمل بر اساس آن‌ها، کمال انسان و تحکیم جامعه انسانی را به دنبال خواهد داشت. محتوای اصلی این آموزه‌ها رشد فضیلت‌های اخلاقی به صورت مطلوب در جامعه است، چنان که می‌توان گفت یکی از اهداف رسالت پیامبران پرورش و تثبیت آموزه‌های اخلاقی در جامعه بوده است (اکبر نژاد و همکاران، رهیافت تربیت فضایل اخلاقی بر تحکیم جامعه در قرآن کریم با رویکردی بر نظریات علامه طباطبایی، ۱۳۹۴: ۹۳). رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی مشروط به تربیت صحیح اخلاقی است و ثمره آن فقط به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه کل جامعه را متحول می‌کند. برای تحقق چنین هدفی به یک منبع و مرجع ارزشمند و قوی نیاز است. به همین دلیل این نوشتار با استناد به آیات قرآنی (با تأکید بر آیات **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**) به بررسی و تبیین مؤلفه‌های تربیت اخلاقی پرداخته است.

تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی، عبارت است از فراگیری و شناختن و شناساندن فضایل و رداییل و ایجاد زمینه برای روی آوردن به فضایل و به کار بستن ساز و کارها و شیوه‌های ایجاد و تثبیت فضایل و نیز زایل ساختن رداییل به منظور دستیابی به سعادت و کمال جاودانه می‌باشد (بهشتی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ۱۳۸۷: ۱۱۷/۵). تربیت اخلاقی که وظیفه

تهذیب نفس و ساختن انسان را بر عهده دارد و در جهت ارتقا و پاکیزه‌سازی زندگی فردی و اجتماعی تلاش می‌کند، جایگاه ویژه‌ای دارد. به همین جهت، پیام آوران الهی در طول تاریخ بشریت با فراخوانی امت‌ها به پرستش یگانه آفریدگار جهان، با تکیه بر ارزش‌های اصیل اخلاقی در همه ابعاد زندگی، انسان را به رشد و رویش فضایل اخلاقی رهنمون می‌ساختند (مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم‌السلام، ۱۴۰۳: ۳۲۸/۶۸). تربیت اخلاقی نسبت به دیگر ساحت‌های تربیتی از اولویت بیشتری برخوردار است. با توجه به این‌که انسان موجودی با اراده و مختار است، باید انگیزه لازم در انسان پدیدآید تا انسان بدون احساس فشار در این راستا قیام کند. این انگیزه را ایمان و اخلاق پدید می‌آورد و قوت می‌بخشد و قوانین الهی در کنار ارزش‌های اخلاقی قابل اجرا می‌گردد (میرزایی و نوروزی، تحلیلی بر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی از منظر مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴: ۷۸). مؤلفه‌های تربیت اخلاقی از منظر جوادی آملی عبارتند از: شناخت خالق، شناخت خود، فطرت جویی، اعتدال، کرامت‌مداری، نوع‌دوستی و دگرخواهی (امیدی و دیگران، بررسی مقایسه‌ای اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو و آیت الله جوادی آملی، تطبیق دیدگاه‌های طبیعت‌گرایی و وحیانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۴۳). ابن سینا مؤلفه‌های تربیت اخلاقی را اصلاح نفس، رسیدن به کمال و سعادت بر شمرده است (خلیلی و دیگران، بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا، ۱۳۹۰: ۱۴۵). هم‌چنین با بررسی و مطالعه نظرات و دیدگاه‌های فلاسفه و اندیشمندان مختلف در زمینه تربیت اخلاقی می‌توان به مؤلفه‌هایی چون عدالت، شجاعت، صبر و بردباری، احترام، هم‌دلی، عفت، امانت و صداقت اشاره نمود (اسلامی نیاسر، بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی سال دوم راهنمایی تحصیلی، ۱۳۸۸: ۱). در این نوشتار به تبیین و بررسی سه مؤلفه عدالت، شجاعت و هم‌دلی از منظر آیات یا <يُهَا الَّذِينَ آمَنُوا...> پرداخته شده است.

۱- عدالت

عدل و عدالت واژه‌هایی عربی هستند و در لغت به معنای راستی، درستی، دادگری، داد، همتا، لنگه، میانه روی، مساوات، استقامت حکم به حق، برابری و قرار دادن هر چیز در جای خود آمده‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۱/۴۳۰؛ فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰: ۲/

۳۹). اقسام عدالت عبارتند از: عدل الهی و عدل بشری. عدل الهی در سه زمینه تکوین، تشریح و جزاء مطرح می‌گردد و عدل انسانی نیز در دو حوزه فردی و اجتماعی قابل بحث است. عدالت در حوزه فردی شامل اقسامی چون عدالت عقیدتی، عدالت اخلاقی و عدالت فقهی و در حوزه اجتماعی شامل عدالت توزیعی و عدالت قضایی، می‌باشد (احمدی، اصطلاح‌شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم هم‌سو در آموزه‌های نهج‌البلاغه، ۱۳۹۲: ۴۰-۳۷). آرامشی که عدالت برای جامعه به ارمغان می‌آورد، دوام زیادی خواهد داشت، زیرا با ترویج عدالت، نگرانی‌های ناشی از محروم ماندن از حقوق فردی و اجتماعی محو خواهد شد. در این نوشتار بخش دوم عدالت یعنی عدالت بشری و زیر مجموعه‌های آن در آیات یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...** مورد بررسی قرار گرفته اند

الف) عدالت فردی

عدالت فردی مربوط به خود افراد است و عرصه برقراری آن وجود خود انسان است. عدالت فردی به این معنا است که هر فردی بتواند در وجود خود و بین قوای نفسانی خود اعتدال برقرار نماید. این عدالت مربوط به اخلاق و افعال انسان است (استیری، عدالت در اخلاق فردی و اجتماعی با تکیه بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷: ۱۶) از مهم‌ترین نتایج عدل در حوزه فردی، ترک ظلم است؛ بدین معنا که حرکت در مدار حق و عدالت، همان عدم حرکت در مدارهای دیگری است که سیر در آن‌ها مصداق بارز ظلم و ستم‌گری است. هنگامی که نهال پر برکت عدالت، آرام آرام بر جان آدمی سایه گستر شود، تمام ابعاد وجود او را فرا می‌گیرد (علیزاده و همکاران، اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم، ۱۳۹۴: ۲۲۳).

ب) عدالت عقیدتی

عدالت در اعتقاد بدین معنا است که انسان به آنچه حق است، ایمان آورد (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۸۶: ۱۲/۴۷۸). و هنگام گواهی دادن از دخالت دادن حب و بغض‌ها پرهیز کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...﴾ (نساء/ ۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره بر پا دارنده عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید، گرچه به ضرر خودتان یا والدین و بستگان باشد. اگر (یکی از طرفین دعوا) ثروتمند یا فقیر باشد، پس خداوند به آنان

سزاوارتر است. پس پیرو هوای نفس نباشید تا بتوانید به عدالت رفتار کنید. و اگر زبان بیچنانید (و به ناحق گواهی دهید) یا (از گواهی دادن به حق) اعراض کنید، پس (بدانید که) خداوند به آن چه می‌کنید، آگاه است.

این آیه، یک اصل اساسی و یک قانون کلی درباره اجرای عدالت در همه موارد بدون استثناء ذکر می‌کند و به تمام افراد با ایمان فرمان می‌دهد که قیام به عدالت کنند. تعبیر به قیام کنایه از تصمیم و عزم راسخ و اقدام جدی درباره آن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴/ ۱۶۴-۱۶۱). روابط حاکم بر ارتباطات بین فردی افراد، گاهی آن‌ها را به سوگیری و اتخاذ تصمیمات و ارائه گواهی و شهادت غیر عادلانه سوق می‌دهد که بایستی از آن حذر نمود و ضوابط را بر روابط مقدم دانست. همه افراد در برابر قانون مساوی هستند. هواپرستی، تخریب و زیاده روی در دوستی؛ از موانع اجرای عدالت هستند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ...﴾ (مائده/ ۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است و از خداوند پروا کنید که همانا خدا به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است.

این آیه، برای اجرای عدالت دعوت به قیام می‌کند. کمتر مسئله‌ای است که در اسلام به اهمیت عدالت باشد؛ یعنی همان‌طور که هیچ یک از مسائل عقیده‌ای و عملی، فردی و اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیستند؛ هم‌چنین هیچ یک از آن‌ها خالی از روح «عدل» نیز نمی‌باشند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴/ ۲۹۹). بی‌عدالتی زمینه‌ساز بسیاری از جنگ‌ها، آشوب‌ها و فتنه‌ها می‌باشد و ریشه در هوی و هوس و بی‌تقوایی افراد دارد. رعایت عدالت حتی در مقابل دشمن نیز ضرورت دارد.

ج) عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، عدالتی است که در کل جامعه به منظور حفظ حقوق همه مردم است (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۲: ۵/ ۴۹۷۷). عدالت اجتماعی بستر را برای رشد جامعه و ریشه کن شدن آفات فقر، فحشا، اعتیاد، اشرافی‌گری و اسراف و تبذیر فراهم می‌سازد (علیزاده و همکاران، اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم، ۱۳۹۴: ۲۲۴).

د) عدالت قضایی

یکی از محوری‌ترین پایه‌های عدالت اجتماعی در اسلام، عدالت قضایی است، به گونه ای که دوام و زوال حکومت اسلامی در گرو آن بوده و کارآمدی نظام نیز تا حد زیادی بدان بستگی دارد. یکی از مسائل مهم که موجب تحقق عدالت قضائی مورد نظر اسلام می‌شود، آموزه‌های اخلاقی و رفتاری در حوزه قضا و دادگستری است که اهمیتی بسزا دارد. دستگاه قضایی موظف است در بررسی دعاوی و شکایات خصوصی و عمومی، با توجه به برابری همگانی در برابر قانون، احکام جزایی (حدود، قصاص، دیه و...) مربوط به مجرمان را بدون هیچ تبعیضی اجرا نماید تا حقوق تضییع شده افراد یا نهادهای اجتماعی احیا گردد (احمدی، اصطلاح‌شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم هم‌سو در آموزه‌های نهج البلاغه، ۱۳۹۲: ۴۰).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ...﴾ (بقره/ ۱۷۸)؛ «ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد و بنده را به جای بنده و زن را به جای زن قصاص توانید کرد. و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است، و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود».

دستور عادلانه قصاص و بخشش، یک مجموعه کاملاً انسانی و منطقی است که از طرفی روش غلط جاهلیت را نفی می‌کند، که چندین نفر در برابر یک نفر کشته می‌شدند، و از طرف دیگر؛ راه عفو و بخشایش را بر مردم نمی‌بندد و در عین حال، احترام خون انسان را نیز کاهش نمی‌دهد و قاتلان را جسور نمی‌سازد. قصاص از یک سوزناک حیات جامعه است، چرا که اگر حکم قصاص نباشد، افراد سنگ‌دل احساس امنیت می‌کنند و از سویی مایه حیات قاتلان بالقوه است؛ زیرا آنان را تا حد زیادی از آدم کشی باز می‌دارد (رضایی اصفهانی و همکاران، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۹۱: ۱/ ۴۳۸). در هر اجتماعی گاه و بی‌گاه قتلی صورت می‌گیرد، یک دین جامع و کامل همانند اسلام، در قبال چنین حوادثی باید طرح و برنامه عادلانه و منطقی ارائه دهد که بتواند جلوی ازدیاد و تکرار چنین حوادث و هم‌چنین جلوی انتقام‌های نابه‌جا و احیاناً سوء استفاده‌ها را بگیرد، تا قاتلان، جسور نشوند و خون مظلوم به هدر نرود. جواز عفو قاتل و تبدیل قصاص به اخذ خون بها، مبین آمیختگی حقوق اسلامی با اخلاق اسلامی است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...﴾ (بقره/ ۲۸۲)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یک‌دیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت، میان شما بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است و کسی که بده‌کار است باید املا کند، و او [=نویسنده] بنویسد و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نکاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید]، تا [اگر] یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، [زن] دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند و از نوشتن [بدهی] چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش [فرا رسد]. این [نوشتن] شما، نزد خدا عادلانه‌تر و برای شهادت استوارتر و برای این‌که دچار شک نشوید [به احتیاط] نزدیک‌تر است، مگر آن‌که داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می‌کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید و [در هر حال] هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می‌دهد و خدا به هر چیزی داناست».

در این آیه که طولانی‌ترین آیه قرآن است، احکام و مقررات دقیقی برای امور تجاری و اقتصادی بیان شده است تا سرمایه‌ها، هر چه بیشتر رشد طبیعی خود را پیدا کنند و بن بست و اختلاف و نزاعی در میان مردم رخ ندهد. در این آیه دستورات مهمی در مورد داد و ستد مالی بیان شده است که؛ هم مسئله مجاز بودن قرض و وام روشن می‌شود و هم تعیین مدت برای وام‌ها و قراردادهای به وسیله شخص سومی تنظیم شود که عادل باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲/ ۳۸۹-۳۸۳). اجرای عدالت جامع همه فضائل یا ملازم و همراه آن‌ها است. از خواص عدالت این است که از نزدیک‌ترین صفات به وحدت است و کارش این است که از کثرت، وحدت را بیرون می‌کشد و بین متباین‌ها تألیف و هماهنگی برقرار می‌سازد و بین

مختلف‌ها، هم‌کاری ایجاد می‌کند و اشیاء را از نقصان و زیادت به حد وسط که همان وحدت است، باز می‌آورد و امور متخالف در این مرتبه به نوعی به اتحاد می‌رسند و حال آن‌که بدون عدالت، افراط و تفریط کثرت پیدا می‌کند و شکی نیست که وحدت، شریف‌تر از کثرت است (صادقی، به نقل از نراقی، عدالت به عنوان فضیلت نفس، ۱۳۸۱: ۶۶). در واقع عدالت وضع نفسانی است که تعدیل همه صفات و افعال و باز آوردن افراط و تفریط به حد اعتدال به سبب آن است. هم‌چنین سبب هماهنگی بین قوا می‌شود، که در نتیجه آن، فضیلت واحدی در نفس پدید می‌آورد (صادقی، عدالت به عنوان فضیلت نفس، ۱۳۸۱: ۶۶). عدالت به عنوان فضیلت نفس در اخلاق فضیلت مدار قرار دارد.

هـ) عدالت توزیعی

عدالت توزیعی؛ پخش و توزیع منصفانه مواهب و منافع و وظایف میان مردم را مد نظر دارد و مهم‌ترین ویژگی آن رعایت انصاف در سهم‌بری و برخورداری افراد است (واعظی، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، ۱۳۸۸: ۵۵).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ (نساء / ۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال هم‌دیگر را به ناروا نخورید - مگر آن‌که داد و ستدی با تراضی یک‌دیگر، از شما [انجام گرفته] باشد - و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است».

معنای اکل، صرف کردن است که قابل تغذی و بلع می‌باشد و نیز می‌گویند: فلان کس مالی را خورده، یعنی با تسلط به آن در آن تصرف نموده، خلاصه به این عنایت که عمده سبب تصرف انسان در اشیاء برای تغذی است، زیرا تغذی مهم‌ترین احتیاج حیاتی انسان است و تصرف را اکل می‌گویند، ولی نه هر تصرفی را، بلکه هر تصرف مالکانه‌ای را که باعث قطع تسلط غیر بشود. درست مثل آن است که با توسعه تسلط و تصرف خود، آن را از میان برده باشد. همان گونه که خورنده غذا را می‌بلعد. باطل در آیه عملی است که هیچ غرض صحیحی در آن نباشد (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۷۴). بنابراین هر گونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوبی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش وسایل فساد و گناه، همه در این مقوله قرار دارند.

۲. شجاعت

شجاعت به حالت شخص در نترسیدن از اقدام به کارهای دشوار با توجه به جوانب امر می‌گویند و در علم اخلاق، حالتی میان تهور و جبن می‌باشد (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۲: ۴۴۵۷/۵). شجاعت از بزرگ‌ترین کمالات نفسانی است. این حالت حد تعادل قوه غضبیه می‌باشد، حد افراط آن را بی‌باکی می‌گویند و حد تفریط آن همان ترسویی است (نراقی، ترجمه مجتبی، علم اخلاق اسلامی: گزیده کتاب جامع السعادات، ۱۳۹۳: ۱۱۰). شجاعت نه فقط به معنای متعارف؛ بی‌باکی در برابر دشمن است بلکه یکی از اصول سه‌گانه اخلاق اسلامی در کنار حکمت و عفت (طبق نظر مرحوم نراقی) است که تنها یک صفت متعالی محدود به خود نیست، بلکه ریشه اوصافی والا و منشاء آثار و صفات مثبت فراوان است (فیض کاشانی، ترجمه الحقایق مولی محسن فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۲۸). شجاعت مراتبی دارد از جمله؛ چیرگی بر نفس، چیرگی بر دشمن در جنگ و چیرگی بر رذائل اخلاقی (مظاهری، ترجمه آژیر، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، ۱۳۸۲: ۲۱۷/۱).

الف) شجاعت در چیرگی بر نفس

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ...﴾ (مانده/ ۵۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما که از دین خود برگردد (به خدا ضرری نمی‌زند، چون) خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. آنان نسبت به مؤمنان نرم و فروتن و در برابر کافران سرسخت و قاطعند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از ملامت هیچ ملامت‌کننده‌ای نمی‌هراسند. این فضل خداست که به هر که بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و خداوند وسعت‌بخش بسیار داناست».

بسیاری از افراد در مقابل غوغای محیط و هجوم افکار عوام و اکثریت‌های منحرف؛ محافظه‌کار، ترسو و کم‌جراتند و زود میدان را خالی می‌کنند، درحالی‌که یک رهبر سازنده و افرادی که برای پیاده کردن افکار او وارد میدان می‌شوند، قبل از هر چیز باید به صفت شهامت آراسته باشند به دست آوردن این امتیاز علاوه بر کوشش انسان، مرهون فضل الهی است که به هر کس بخواهد و شایسته ببیند، می‌دهد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۱۷-۴۱۵). دوستان خدا با برادران دینی خود ملایم و نرم خو هستند و در برابر دشمنان خدا

سر سخت و مقاوم می‌باشند. مؤمنان نباید از سرزنش‌ها و تبلیغات سوء دشمن هراس داشته باشند. احتمال ارتداد برای مؤمنان وجود دارد، نداشتن معرفت و محبت نسبت به خدا و دین از عوامل زمینه ساز ارتداد است. از جمله مظاهر الطاف الهی، جهاد در راه خدا می‌باشد و از جمله ملزومات آن شجاعت می‌باشد که در سایه محبت الهی پدید می‌آید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ...﴾ (احزاب/ ۷۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن (حق و) استوار گویید».

پیام آیه چنین است که؛ سخن حق بگوئید تا اعمالتان اصلاح شود. تقوا پایه اصلاح زبان و سرچشمه گفتار حق و گفتار حق یکی از عوامل مؤثر اصلاح اعمال و اصلاح اعمال، سبب آمرزش گناهان است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲: ۴۴۷/۱۷). قول سدید گفتاری است که خلل ناپذیر و موافق حق و عدل باشد و هم‌چون سدّ استواری، جلوی امواج فساد و باطل را بگیرد. انسان در سایه ایمان و تقوا، قدرت، شهامت و شجاعت بیان سخن حق را پیدا خواهد نمود.

ب) شجاعت در چیرگی بر دشمن در جنگ

انسان به دلیل ترس و عدم شجاعت دچار صفات مذمومی مانند خواری نفس و ذلت می‌شود و در کارهای خود بی ثبات و تبّل و راحت طلب می‌گردد و از این رو از همه سعادت‌ها باز می‌ماند و ستم‌کاران دست تجاوز بر او می‌گشایند و او نسبت به آنچه موجب ننگ و رسوایی است، بی‌مبالا می‌شود و امور مهم خود را مهمّل و معطل می‌گذارد (نراقی، ترجمه مجتبی، علم اخلاق اسلامی: گزیده کتاب جامع السعادات، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ...﴾ (توبه/ ۱۲۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کفار که نزدیک شمایند، بجنگید. باید آنان در شما خشونت و صلابت بیابند و بدانید که خداوند، با پرهیزکاران است».

در این آیه به دو دستور مهم درباره جهاد اشاره می‌کند:

۱. به مؤمنان می‌گوید: با کفار که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید. درست است که با تمام دشمنان باید مبارزه کرد، ولی از نظر تاکتیک و روش مبارزه، نخست باید از دشمنان نزدیک‌تر شروع کرد، چرا که خطر دشمنان نزدیک‌تر بیش‌تر است، البته ممکن است استثنا داشته باشد. از جمله دلایل پرداختن به دشمنان نزدیک‌تر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آگاهی و اطلاعات نسبت به دشمنان نزدیک، افزون‌تر است و این خود به پیروزی کمک می‌کند. پرداختن به دور و رها کردن نزدیک، این خطر را نیز دارد که دشمنان نزدیک ممکن است از پشت سر حمله کنند و یا کانون اصلی اسلام را به هنگام خالی شدن مرکز در هم بکوبند. وسائل و هزینه مبارزه با نزدیک، کمتر و ساده‌تر و تسلط بر جبهه در آن آسانتر است. ۲. دستور دوم در زمینه جهاد؛ دستور شدت عمل است. این آیه می‌گوید: دشمنان باید در شما یک نوع خشونت احساس کنند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲: ۱۹۶/۸). شجاعت در این آیه شجاعتی است که با هدف متعالی در خدمت دین حق باشد که این شجاعت در راه خدا است. هر چند این آیه در مورد پیکار با دشمن است ولی در کل روح آیه شامل مبارزات فکری، منطقی و تبلیغاتی نیز می‌شود. انسان همیشه و همه حال باید عاقل و دور اندیش باشد و با رویه عقلانی، اطرافش را رصد کند و مراقب باشد. مؤمنان باید شجاعت درونی داشته باشند؛ که لازمه آن تقوا است و باید در مقابل دشمن هیبت، سخت‌گیری، اقتدار و نمایش قدرت داشته باشند.

ج) شجاعت در چیرگی بر رذائل اخلاقی

هر چه ایمان ضعیف‌تر باشد، دوستی دنیا بر دوستی خدا غالب می‌شود تا حدی که در قلب‌ها جایی برای دوستی خدا باقی نماند، مگر به طور حدیث نفس و این مقدار نمی‌تواند اثری در مخالفت با نفس اماره و شیطان داشته باشد و نتیجه آن فرو رفتن آدمی در پیروی از شهوات خواهد بود تا جایی که دل تاریک و سیاه می‌شود و نور ایمان به کلی خاموش می‌شود (نراقی، ترجمه مجتوبی، علم اخلاق اسلامی: گزیده کتاب جامع السعادات، ۱۳۹۳: ۱۱۹). لذا بایستی انسان آن‌چنان شجاعتی داشته باشد که بتواند در مقابل وسوسه‌های شیطانی و خطوات شیطانی دوام بیاورد و از هیچ اتفاقی هراس نداشته باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ...﴾ (نور/ ۲۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

گام‌های شیطان را پیروی نکنید و هرکس پیرو گام‌های شیطان شود، همانا که او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود، هرگز هیچ یک از شما پاک نمی‌شد. ولی خداوند هر کس را بخواهد، پاک می‌سازد و خدا شنوا و داناست.

چیرگی بر صفات ناپسند؛ مقامی بلند و والاست که بالاتر از آن مقامی نیست و این مهم جز با فضل و رحمت خداوند ممکن نمی‌گردد. این آیه هشدار می‌دهد به مؤمنان است که نفوذ افکار و اعمال شیطان گاه به صورت تدریجی و کم رنگ است. و اگر در همان گام‌های نخست کنترل نشود، انسان وقتی متوجه می‌شود که کار از کار گذشته باشد. فضل و رحمت الهی موجب نجات انسان‌ها از آلودگی‌ها و انحرافات و گناهان می‌شود؛ چرا که خداوند از یک سو موهبت عقل را داده است و از سوی دیگر موهبت وجود پیامبر و احکامی که از طریق وحی نازل می‌گردد، ارزانی داشته است. از این مواهب گذشته، توفیقات خاص او و امدادهای غیبی‌اش که شامل حال انسان‌های آماده و مستعد و مستحق می‌گردد، مهم‌ترین عامل پاکی و تزکیه است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۳: ۱۴/۴۱۳). خطوات، جمع «خطوه» و به معنای مابین دو قدم است (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق: ۲۸۸). که در فارسی به آن گام می‌گویند. در قرآن به صورت مؤکد، از پیروی از گام‌های شیطان نهی شده است. فضل و رحمت الهی، گاهی در بُعد تشریح است؛ یعنی از طریق فرستادن پیامبران و کتاب‌های آسمانی و بیان قوانین و مژده و هشدار و گاهی با امدادهای معنوی، انسان‌ها را به سوی پاکی و رشد رهنمون می‌شود. در واقع هر انسانی که شایستگی داشته باشد و در راه خدا تلاش کند، خدا نیز دست او را می‌گیرد و او را هدایت می‌کند و انسان تا زمانی که شجاعت مقابله با موانع و مفاسد را نداشته باشد به پاکی و شایستگی نمی‌رسد.

۳. هم‌دلی

هم‌دلی در لغت به معنای صمیمیت، یک‌رنگی و هم‌دل بودن است (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۲: ۸/۸۳۹۴). یکی از علائم حیات یک جامعه وجود هم‌دلی و هم‌پستگی در بین افرادش می‌باشد. مثل مومنین در هم‌دلی، در مصادیقی چون؛ دوست داشتن یک‌دیگر، عاطفه داشتن نسبت به یک‌دیگر، هم‌دردی نسبت به یک‌دیگر، علاقمند بودن به سرنوشت یک‌دیگر است، مثل پیکر انسان زنده‌ای است که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا با این عضو هم‌دردی می‌نمایند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۹: ۲۵/۴۲۷).

الف) تقویت کننده‌های هم‌دلی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا...﴾ (بقره/ ۱۰۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید (به پیامبر) نگویید: «راعنا» مراعاتمان کن؛ بلکه بگویید: «انظرنا» ما را در نظر بگیر و این توصیه را بشنوید و برای کافران عذاب دردناکی است».

مسلمانان صدر اسلام، برای بیان درخواست خود، از واژه «راعنا» استفاده می‌کردند که از ریشه «الرعی» و به معنای مهلت دادن است؛ ولی یهودیان، همین واژه را از ریشه «ارعونه» به معنای حماقت، استعمال می‌کردند و معنای واژه را تغییر می‌دادند. این واژه در صورت اول یعنی: «به ما مهلت بده» ولی در صورت دوم یعنی: «ما را احمق کن». یهودیان، این واژه را دست‌آویزی قرار داده بودند برای مسخره کردن مسلمانان و پیامبر اکرم ﷺ مسلمانان باید در برنامه‌های خود مراقب باشند که بهانه دست دشمن ندهند؛ حتی از به کار بستن یک جمله کوتاه که ممکن است موضوعی برای سوء استفاده دشمنان گردد؛ زیرا ممکن است افرادی با حسن نیت سخنی بگویند یا عملی را انجام دهند؛ ولی بازتاب بیرونی آن برای اسلام و مسلمانان خوب نباشد (رضایی اصفهانی و همکاران، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۹۱: ۳۱۱/۱). این امر جز وظایف اصلی مسلمانان است که با دوراندیشی و تعقل در هنگام انجام هر فعل و هر سخن، به عواقب آن بیاندیشند و بهانه‌ای دست دشمنان ندهند. رعایت آداب گفتاری همراه با جای‌گزینی کلمات نیکو، به ویژه هنگام گفت‌وگو با افراد برتر و برگزیده، از راه‌کارهای حفظ تفاهم زبانی و بیانی می‌باشد که این امر در تقویت هم‌دلی نقش مؤثری دارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...﴾ (بقره/ ۲۰۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی درآید (و تسلیم مطلق خداوند شوید) و گام‌های شیطان را پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست».

سلم و سلام، در لغت به معنای صلح و آرامش است و بعضی آن را به معنای اطاعت تفسیر کرده‌اند و این آیه همه افراد با ایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می‌کند. از مفهوم این آیه چنین استفاده می‌شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان‌پذیر است و تنها با اتکاء به قوانین مادی، جنگ، ناامنی و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۸۳/۲). انسان‌ها، با استفاده از نیروی معنوی ایمان می‌توانند

برادرانه گرد هم آیند و تشکیل حکومت جهانی بدهند تا صلح در همه جا سایه افکن شود؛ بنابراین صلح جهانی بدون حلقه محکم ایمان محقق نمی‌شود. شیطان همیشه، همه جا و همه گونه حضور دارد و یکی از راه‌ها و شیوه‌های حضور او، مقدمه چینی برای انحرافات و وسوسه‌ها به صورت تدریجی است. وی با به انحراف کشیدن انسان‌ها، دشمنی و جنگ را پایه ریزی می‌کند و همین امر زمینه دور شدن از صلح و آرامش را مهیا می‌سازد. بنابراین ورود به حلقه‌های سلم و آرامش از عوامل مهم و تأثیرگذار در خصوص تقویت هم‌دلی و جلب آرامش می‌باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ...﴾ (بقره/ ۲۵۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آن چه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آن که روزی فرا رسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه دوستی و نه شفاعتی، و (بدانید که) کافران همان ستم‌گران هستند (که هم به خود ستم می‌کنند و هم به دیگران)».

انفاق، یکی از مهم‌ترین اسباب نجات در قیامت است. عبارت (مما رزقناهم ینفقون) مفهوم وسیعی دارد که هم انفاق‌های مالی واجب و مستحب را شامل می‌شود و هم انفاق‌های معنوی مانند علم و دانش و امور دیگر. ضمناً از تعبیر (مما) استفاده شده که به طور واجب انفاق نمودن، پرداخت بخشی از مال را در بر می‌گیرد نه همه آن را. از آن جا که آخرین جمله آیه، کافران را ظالمان می‌شمرد، می‌توان گفت در واقع اشاره‌ای به این امر است که ترک انفاق، نوعی کفر و ظلم است و این جز در انفاق واجب، تصور نمی‌شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۵۹-۲۵۷). گرچه انفاق در ظاهر کاسته شدن از داشته‌های مادی انسان است، اما در باطن باعث ارتقای روحیه شادکامی و موجب سعادت اخروی است که با ایجاد مؤلفه‌های شناختی و رفتاری و سلب مؤلفه‌های منفی از انسان سلامت روح و روان را به ارمغان می‌آورد. سرای آخرت، سرای داد و ستد و خرید و فروش نیست، بلکه هر کس پاسخ‌گوی اعمال و حساب خویش است؛ نه دوستی به فریاد انسان می‌رسد و نه شفاعتی؛ مگر به اذن الهی. بنابراین انجام امور خیر را نباید به تأخیر انداخت و بخل ورزید. بایستی تا حد امکان از عواملی که روابط و تعاملات را قوی‌تر می‌سازد استفاده نمود و هم‌دلی‌ها را تقویت نمود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِنْ ظُهُورِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (بقره/ ۲۶۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از پاکیزه‌ترین چیزهایی که به دست آورده‌اید و از آنچه ما برای شما از زمین رویانیده‌ایم، انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت‌های ناپاک (و پست) نروید، در حالی که خود شما هم حاضر نیستید آن‌ها را بپذیرید مگر از روی اغماض (و ناچاری) و بدانید خداوند بی‌نیاز و ستوده است.»

این آیه کیفیت مالی که انفاق می‌شود را بیان می‌نماید و می‌فرماید: باید از اموال طیب باشد نه خبیث، یعنی مالی باشد که فقیر به رغبت آن را بگیرد نه به کراهت و اغماض. در واقع خداوند در عین حال که احتیاجی به انفاق بندگان ندارد، انفاق طیب انسان را می‌ستاید (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ۱۳۹۴: ۶۰۳/۲). مؤمنان بدانند؛ آنچه نصیب آن‌ها شده از باب لطف و مدد الهی می‌باشد و در کلیه اموال آن‌ها حق و حقوقی برای افراد نیازمند و محروم وجود دارد، لذا باید اموالی را انفاق نمایند که خوب، مفید، ارزنده، مرغوب، پاک و حلال باشند. در واقع انفاق کردن یکی از راه‌کارهای رهایی از بخل می‌باشد لذا باید دقت نمود در مقام انفاق کردن، کرامت انفاق گیرنده حفظ شود و انفاق با شرایط فوق می‌تواند زمینه‌های هم‌دلی را ایجاد نماید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ...﴾ (تغابن/ ۱۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برخی از همسران و فرزندان‌تان برای شما دشمنند (که شما را از راه خدا باز می‌دارند)، پس از آنان بر حذر باشید و اگر (آزار و خطایشان را) عفو کنید و چشم‌پوشید و درگذرید، پس (بدانید که) خداوند آمرزنده مهربان است.»

در این آیه، فرمان به اطاعت بی‌قید و شرط خدا و رسولش آمده است و یکی از موانع این راه، علاقه افراطی به اموال و همسر و فرزندان است؛ در این آیه هشدار داده شده است که بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند از آن‌ها بر حذر باشید، البته نشانه‌های این عداوت کم نیست. گاه می‌خواهید اقدام به کار مثبتی هم‌چون هجرت کنید، دامان شما را می‌گیرند و مانع این فیض عظیم می‌شوند و گاه انتظار مرگ شما را می‌کشند تا ثروت شما را تملک کنند و مانند این‌ها. البته، نه همه فرزندان چنین هستند و نه همه همسران. از آن‌جا که ممکن است این دستور بهانه‌ای برای خشونت و انتقام‌جویی و افراط از ناحیه پدران و همسران گردد؛ بلافاصله در ادامه آیه، برای تعدیل آن می‌فرماید: و اگر عفو کنید و صرف نظر نمایید و ببخشید، خداوند نیز شما را مشمول عفو و رحمتش قرار می‌دهد چرا که خداوند غفور و رحیم است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲: ۲۴/۲۰۴).

این آیه، به دشمنی برخی فرزندان و همسران اشاره می‌کند، این دشمنی جلوه‌های مختلفی دارد. گاهی آنان مانع انجام کارهای مثبت هم‌چون هجرت، جهاد و انفاق می‌شوند. برخی از آنان خواسته یا ناخواسته چنین هستند، برخی دیگر از فرزندان و همسران، یاوران راه خدا و امدادگر پدر خانواده در انجام وظایف الهی هستند که البته حساب این افراد از دیگران جدا است. در این آیه تمسک به عفو، صفح و غفران توصیه شده است و این فضائل اخلاقی از مصادیق ارزشمند و زمینه ساز دوستی‌ها، مهربانی‌ها و هم‌دلی‌ها می‌باشند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...﴾ (تحریم/ ۶)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنه‌کار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت‌گیر نگهبانند و خدا را در آن چه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند».

در این آیه، خداوند دستوراتی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آن‌ها می‌دهد، از جمله این‌که؛ خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها هستند، نگاه دارید. نگاه‌داری خویشتن، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات و سرکشی میسر است و نگاه‌داری خانواده، به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده ممکن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۲: ۲۴/ ۲۸۷). از جمله نیازمندی‌های خانواده‌ها علاوه بر خوراک، پوشاک و مسکن می‌توان به نیازمندی به رسیدگی به امورات دینی، تربیتی، فرهنگی و... اشاره نمود. این وظایف در صورتی به بهترین وجه به منصه ظهور خواهند رسید که والدین به ویژه پدر خانواده که سرپرستی امورات خانواده با او می‌باشد، مجهز به سلاح‌های دینی، فرهنگی، تربیتی و... باشد تا بتواند بر دیگر اعضای خانواده تأثیر گذار باشد. با حفظ یک عامل مهم و مشترک، یعنی تقویت روحیه ایمان و حفظ معنویات می‌توان هر چه بیشتر در تقویت هم‌دلی بین خود و اعضای خانواده تلاش نمود.

ب) تضعیف‌کننده‌های هم‌دلی

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ...﴾ (بقره/ ۲۶۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید، همانند کسی که مال خود را برای

خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و ایمان به خدا و روز رستاخیز ندارد. پس مثال او هم‌چون مثل قطعه سنگ صافی است که بر روی آن (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشانده شود) پس رگ‌باری به آن رسد (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید) و آن سنگ را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند! (ریاکاران نیز) از دست آوردشان، هیچ بهره‌ای نمی‌برند و خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند».

افراد با ایمان، نباید انفاق‌های خود را به خاطر منت و آزار، باطل و بی اثر سازند. اعمال ریاکارانه و انفاق‌های آمیخته با منت و آزار که از دل‌های سخت و قساوت‌مند سرچشمه می‌گیرد؛ هیچ بهره‌ای را نصیب صاحبانش نمی‌نماید و تمام زحماتشان بر باد می‌رود. خداوند توفیق هدایت را از آن‌ها می‌گیرد چرا که با پای خود، راه‌های کفر، ریا، منت و آزار را طی کردند و چنین کسانی شایسته هدایت نیستند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۲۵/۲). گاهی انسان کار خیری را انجام می‌دهد و بسیار به آن امیدوار است، غافل از این‌که گاهی در پس این نیکی، وسوسه‌های شیطانی نیز دخیل می‌شوند و در فرد روحیه ریاکارانه همراه با منت و آزار شکل می‌گیرد و ارزشمندی کار را از بین می‌برد. منت گذاشتن، آزار رسانی و ریاکاری از جمله عوامل بطلان انفاق و بخشش می‌باشند. منت گذاشتن، باعث دل‌سردی طرف مقابل و ضعف روحیه محبت ورزی و هم‌دلی می‌شود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا قَرِيبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ...﴾ (آل‌عمران/ ۱۰۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، شما را بعد از ایمان‌تان به کفر باز می‌گردانند».

این آیه، روی سخن را به مسلمانان اغفال شده کرده و به آن‌ها هشدار می‌دهد که اگر تحت تأثیر سخنان مسموم دشمن واقع شوند و به آن‌ها اجازه نفوذ در میان افرادشان دهند و به وسوسه‌های آن‌ها ترتیب اثر دهند، چیزی نخواهد گذشت که رشته ایمان را به کلی خواهند گسست و به سوی کفر برمی‌گردند، زیرا دشمن، نخست آتش عداوت را در میان آن‌ها شعله ور سازد و آن‌ها را به جان هم می‌افکند و سپس به وسوسه‌های خود ادامه می‌دهد تا به کلی آن‌ها را با اسلام بیگانه سازد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۵/۳). از خدعه و نیرنگ دشمن جهت زمینه‌سازی برای ایجاد نفاق و از بین بردن اتحاد نباید غافل بود. اطاعت و پیروی از دیگران، در عقاید انسان تأثیر می‌گذارد. اگر کسانی که از آن‌ها پیروی می‌شود در دین و عقیده با ما متفاوت باشند، زمینه‌های نفاق و از بین رفتن هم‌دلی را فراهم می‌آورند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ (نساء/ ۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یک‌دیگر را در میان خود به باطل نخورید، مگر این‌که تجارتي با رضایت یک‌دیگر باشد و خود (و یک‌دیگر) را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما همواره مهربان بوده است».

این آیه زیر بنای قوانین اسلامی را در مسائل مربوط به معاملات و مبادلات مالی تشکیل می‌دهد و به همین دلیل فقهای اسلام در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند در ادامه آیه، مردم از قتل نفس باز داشته می‌شوند و از خود کشی و انتحار نهی می‌شوند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/۳۵۷-۳۵۵). مؤمنان باید در جهت ایجاد یک سیستم اقتصادی سالم تلاش نمایند تا زمینه‌های پیشگیری از تبعات بعدی آن یعنی ربا، تقلب، تصرف در اموال دیگران و... در جامعه فراهم گردد. سیستم اقتصادی ناسالم، زمینه پیدایش هلاکت جامعه است و لحظه به لحظه روابط دوستانه و هم‌دلی‌ها کمرنگ‌تر می‌گردند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ...﴾ (مائده/ ۵۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهودیان و مسیحیان را سرپرست و یاور نگیرید، (زیرا) بعضی از آنان یار و یاور بعض دیگرند و هر کس از شما که آنان را ولی خود قرار دهد، قطعاً از آنان است. همانا خداوند، قوم ستم‌گر را هدایت نمی‌کند.

این آیه مسلمانان را از هم‌کاری با یهود و نصاری به شدت بر حذر می‌دارد و دلیل این نهی را چنین بیان می‌نماید: هریک از آن دو طایفه دوست و هم‌پیمان هم مسلکان خود هستند. یعنی تا زمانی که منافع خودشان و دوستانشان مطرح است، هرگز به شما نمی‌پردازند؛ به همین دلیل، هر کس از شما طرح دوستی با آن‌ها بریزد، از نظر تقسیم بندی اجتماعی و مذهبی جزء آن‌ها محسوب خواهد شد و شک نیست که خداوند، چنین افراد ستم‌گری را که به خود و برادران و خواهران مسلمان خود خیانت کرده و بر دشمنان‌شان تکیه می‌کنند، هدایت نخواهد کرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴/۴۱۰-۴۰۹). تبری از دشمنان، لازمه ایمان است. مقصود آیه این نیست که کلیه روابط تجاری و اجتماعی مسلمانان با کفار قطع شود؛ بلکه مراد آن است که مثل دوستان و مسلمانان دیگر، با آنان رابطه دوستانه نداشته باشید و هم‌پیمان نشوید که هم‌پیمانی با آنان مستلزم کمک به آنان و خیانت و ظلم به جامعه اسلامی و مسلمانان است و زمینه ورود و رسوخ آن‌ها در دل‌های مؤمنین فراهم می‌شود و پیوندهای هم‌دلی را می‌گسلانند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ...﴾ (حجرات/ ۱۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مبادا گروهی (از شما) گروهی دیگر را مسخره کند، چه بسا که مسخره‌شدگان بهتر از مسخره‌کنندگان باشند و زنان نیز، زنان دیگر را مسخره نکنند؛ شاید که آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب‌جویی نکنید و یک‌دیگر را با لقب‌های بد نخوانید. (زیرا) فسق (و بدنام بودن) پس از ایمان، بد رسمی است، (و سزاوار شما نیست.) و هرکس (از این اعمال) توبه نکند، پس آنان همان ستم‌گران‌اند».

دستورهای منع شده در این آیه، نهی از سخریه و استهزاء، عیب‌جویی و فراخواندن یک‌دیگر با القاب زشت هستند. چنان‌چه در جامعه این دستورات رعایت شوند، نه کسی می‌تواند به عنوان خود برتر بینی، دیگران را وسیله تفریح و سخریه قرار دهد و نه می‌تواند زبان به عیب‌جویی این و آن بگشاید و نه با القاب زشت، حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکند و چه زیباست جامعه‌ای که اصول اخلاقی در آن دقیقاً اجرا شود (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۸۶/۲۲). مسخره کردن دیگران منشاء روانی دارد و از خود برتر بینی و تکبر و گاهی از خود کم بینی و احساس حقارت ریشه می‌گیرد. مسخره کردن، عیب‌جویی و لقب زشت دادن به یک‌دیگر، معرف رذائل اخلاقی می‌باشند که بایستی از آن‌ها پرهیز نمود، چه بسا افرادی که امروز به بدگویی و افتراء آن‌ها توسط دیگران اقدام می‌شود، توبه کرده باشند ولی گذشته زشت آن‌ها را برایشان زنده می‌کنند، که این امر با روح ایمان سازگار نیست و هرچه این رذائل در افراد قوی‌تر باشند، لحظه به لحظه انسان‌ها از یک‌دیگر دوری می‌جویند و احساس مودت و هم‌دلی در آن‌ها ضعیف می‌گردد.

نتیجه

قرآن کریم کلام بی نظیر خداوند است، و در بین این همه موجودات مخاطب او انسان است، انسانی که روحی الهی دارد و دارای قلبی برای فهمیدن و دلی برای ادراک کردن. در اعتبار و ارزش قرآن، همین بس که سخن بی‌مانند خداست و در اعتبار و ارزش انسان همین بس که هم سخن و مخاطب خداوند برای وحی، انسان است. کلام قرآن زیبا و رسا است و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی خاص دارد. از مجموع آیات قرآنی، ۸۸ آیه با عبارت «یا ایها

الَّذِينَ آمَنُوا» شروع گردیده‌اند. این خطاب افتخار آمیز و روح پرور خاص مومنان است. این تعبیر منحصراً در آیاتی مشاهده می‌شود که در مدینه نازل شده‌اند و در آیات مکی، اثری از این لفظ نیست. شاید به این دلیل است که با هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، وضع مسلمانان تثبیت شده، به صورت یک جمعیت ثابت و صاحب نفوذ در آمدند و از پراکندگی نجات یافتند. از آن جایی که این خطاب، لحن بسیار ملایم و زیبایی دارد؛ موجبات پذیرش دستور را فراهم می‌آورد. لفظ زیبا پذیرش و تکلیف را آسان تر می‌نماید. این خطاب به مؤمنان شخصیت می‌دهد و رابطه آنان را با خدا بیان می‌کند که زمینه ساز انجام دستور است. بی تردید یکی از اجزا و عناصر هر جامعه‌ای که در تداوم آن دخالت دارد تربیت اخلاقی جامعه است و ارزش‌ها به ویژه ارزش‌های اخلاقی رکن اساسی حیات انسان‌ها را تشکیل می‌دهند. تربیت اخلاقی شاهراه پیش‌گیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی است.

قرآن کریم مهم‌ترین منبع برای تبیین مؤلفه‌های تربیت اخلاقی است، چرا که از جانب خداوندی است که بزرگ‌ترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است. در این پژوهش سه مؤلفه تربیت اخلاقی؛ عدالت، شجاعت و هم‌دلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در خصوص هر مؤلفه؛ متغیرهای آن از بین آیات یا «آیها الَّذِينَ آمَنُوا» تبیین و بررسی شده‌اند.

ردیف	مؤلفه‌های تربیت اخلاقی	انواع	مصادیق قرآنی	
۱	عدالت	فردی	نساء / ۱۳۵؛ مائده / ۸	
		اجتماعی	عدالت قضایی	بقره / ۱۷۸؛ بقره / ۲۸۲
			عدالت توزیعی	نساء / ۲۹
۲	شجاعت	شجاعت در چیرگی بر نفس	مائده / ۵۴؛ احزاب / ۷۰	
		شجاعت در چیرگی بر دشمن در جنگ	توبه / ۱۲۳	
		شجاعت در چیرگی بر رذائل اخلاقی	نور / ۲۱	
۳	هم‌دلی	تقویت کننده‌های هم‌دلی	بقره / ۱۰۴؛ بقره / ۲۰۸؛ بقره / ۲۵۴؛ بقره / ۲۶۷؛ تغابن / ۱۴؛ تحریم / ۶	
		تضعیف کننده‌های هم‌دلی	بقره / ۲۶۴؛ آل عمران / ۱۰۰؛ نساء / ۲۹؛ مائده / ۵۱؛ حجرات / ۱۱	

بر اساس یافته‌های جدول بالا چنین نتیجه گرفته می‌شود که برای متخلق شدن به تربیت اخلاقی تجهیزاتی چون؛ ایمان راسخ، قیام به عدالت، اجرای حکم قصاص، عفو کردن، مکتوب و مستند نمودن معاملات و معاهدات، شجاعت در میدان جنگ، شجاعت در گفتار، عدم تبعیت از گام‌های شیطانی، توجه به نوع سخن و کلام، ورود به حلقه‌های صلح و آشتی، انفاق از پاکیزه‌ترین اموال، حفظ حرمت انفاق گیرنده، حفظ خود و خانواده با سلاح ایمان و تقوا، عدم تبعیت از افرادی که از دایره ایمان و اسلام خارج شده‌اند، رعایت چارچوب معاملات و مبادلات، عدم تمسخر و عیب‌جویی دیگران، ندادن القاب بد به یک‌دیگر؛ لازم و ضروری می‌باشد. تمام ملکات ذکر شده برگرفته از دستورات الهی می‌باشد که افراد با ایمان به پیروی از آن‌ها دعوت شده‌اند. در واقع آیات و پیام‌های قرآنی، اخلاق را در وجود انسان شکوفا می‌کند و اخلاق زمینه تجلی نور قرآن را در قلب پدید می‌آورد، جان آدمیان تجلی‌گاه زیباترین تأثیر و ارتباط متقابل قرآن و اخلاق است و متخلق شدن به تربیت قرآنی زمینه ساز عدالت، شجاعت و هم‌دلی در جوامع بشری می‌باشد.

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۲ق.
۲. احمدی، سید جواد، «اصطلاح شناسی عدالت و پیوند آن با مفاهیم هم‌سو در آموزه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه معرفت اخلاقی، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۹۲ش.
۳. استیری، اکرم، «عدالت در اخلاق فردی و اجتماعی با تکیه بر دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه اخلاق، دوره چهارم، شماره ۱۱، ۱۳۸۷ش.
۴. اسلامی نیاسر، مهدیه، بررسی مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در کتاب‌های درسی سال دوم راهنمایی تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۸ش.
۵. اکبر نژاد، مهدی، رسل، عباس، دشتی، علی و همایوم نیا، مریم، «رهیافت تربیت فضایل اخلاقی بر تحکیم جامعه در قرآن کریم با رویکردی بر نظریات علامه طباطبایی»، فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره اول، ۱۳۹۴ش.
۶. امیدی، محمود. میرزا محمدی، محمد حسن و فراقی، قادر، «بررسی مقایسه‌ای اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه روسو و آیت الله جوادی آملی، تطبیق دیدگاه‌های طبیعت گرایی و وحیانی»، فصلنامه اخلاق و حیانی، سال ششم. دوره یک، پیاپی سیزده، ۱۳۹۶ش.
۷. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
۸. بهشتی، محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۹. خلیلی، سلیمه. افشار، لیلا و عباسی، محمود، «بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا»، فصلنامه تاریخ پزشکی، دوره سوم، شماره هشتم، ۱۳۹۰ش.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، لبنان: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

۱۱. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۹۱ ش.
۱۲. صادقی، مرضیه، «عدالت به عنوان فضیلت نفس»، فصلنامه دانشگاه قم، سال چهارم، شماره اول و دوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد دوم ۱۳۹۴ ش، جلد دوازدهم ۱۳۸۶ ش، جلد چهارم و جلد هجدهم ۱۳۷۴ ش.
۱۴. علی‌زاده، مهدی. عالم زاده نوری، محمد، مظاهری سیف، محمدرضا، احمدپور، مهدی، مهدوی فرید، علی و فلاح، محمدرضا، اخلاق اسلامی، مبانی و مفاهیم، چاپ هشتم، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ ش.
۱۵. فتح‌علی خانی، محمد، «رابطه دین و تربیت اخلاقی»، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره دوم، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: منشورات الهجره، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، ترجمه الحقایق مولی محسن فیض کاشانی، تهران: موسسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. کبیری، زینب و معلمی، حسن، «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»، نشریه معرفت اخلاقی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (علیهم‌السلام)، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. مظاهری، حسین، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شنون حکمت عملی، ترجمه حمیدرضا آژیر، تهران: ذکر، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد دوم، سوم و چهارم و بیست و دوم ۱۳۷۴ ش، جلد هشتم، هفدهم و بیست و چهارم ۱۳۷۲ ش، جلد چهاردهم ۱۳۷۳ ش.

۲۳. میرزایی، سیاوش و نوروزی، رضا علی، «تحلیلی بر مؤلفه‌های تربیت اخلاقی از منظر مقام معظم رهبری»، فصلنامه معرفت اخلاقی، سال ششم، شماره دوم، پیاپی هجده، ۱۳۹۴ش.

۲۴. نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی: گزیده کتاب جامع السعادات، ترجمه: جلال الدین مجتبی، تهران: حکمت، چاپ دوم، ۱۳۹۳ش.

۲۵. واعظی، احمد، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ش.